

سالی ۷۰۰ هزار شغل دروغ از آب درآمد

صفحه ۳

چهارشنبه ۳۰ فروردین ۱۳۹۶ | ۲۱ رجب ۱۴۳۸ | ۱۹ آوریل ۲۰۱۷ | سال نهم | شماره ۲۳۹ | ۱۶ صفحه | ۱۰۰۰ تومان

تیتراهای امروز

تحلیل کنا به‌وار سیدعز تالله ضرغامی درباره وضعیت اضطراری دولت و دلیل کاندیداتوری اسحاق جهانگیری

داربست

■ کاندیدای پوششی یعنی رئیس‌جمهور برای سر یا ماندن احتیاج به داربست دارد



صفحه ۲

رئیس کمیسیون نظارت و حقوق شورای اسلامی شهر تهران پیشنهاد کرد

کمیته حقیقت‌یاب برای سیل

صفحه ۴

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس:

دولت، پیمانکاران را ورشکست کرد

صفحه ۳

اعتراضات گسترده مردم تر کیه به نتیجه همه پرسی ادامه دارد

تبریک تروریست‌ها به اردوغان

صفحه ۱۵

روزنه

من رئیس‌جمهور نیستم نانوا هستم!

- حسین قدیانی

۴ سال گذشت از آن روز که نامزد انتخابات، بر سینه کوبید و گفت: «من سرهنگ نیستم؛ حقوقدانم!» ملاحظه را بگذاریم کنار، جمله مدنظر، می‌خواهد بگوید: «من در رفتار و گفتار، برخورد چکشی نخواهم داشت، تندی نخواهم کرد، زور نخواهم گفت!» دست من، دفتر و کتاب است، نه تفنگ و گلوله! لباس من جامه رزم نیست، پوشش تفاهم است؛ گفتوگو! آری! طبعتهای بود که زد و رفتا رفت تا ۴ سال تمام، چسو دیروز یعنی در روز ارتش، در مدح همان ارتشی سخن بگوید که پر از «سرهنگ» است! همان که او نبود! همان که او تأکید داشت بگوید من اهلس نیستم! من سرهنگ نیستم! حال جا دارد ببینیم مترادف چیست سرهنگ بودن که او محکم بر سینه کوبید تا اعلام کند سرهنگ نیستم؟! برخورد چکشی؟! تندی؟! زور؟! تفنگ و گلوله؟! جامه رزم؟! ای زنده باد آن سرهنگ و آن سرباز و آن سردار و آن امیر که این همه را خرج مصاف با دشمن ملت می‌کند تا خاک مقدس وطن، امنیت داشته باشد، تا حتی همین فرد هم هنگام کنایه «من سرهنگ نیستم» امنیت داشته باشد! و اما امروز، روزی بعد از روز ارتش و ۴ سال بعد از آن جمله فصار، در حالی که اقدامی بی‌سابقه و صاحب رکورد، با وجود ثبت‌نام رئیس‌جمهور، معاون اولش هم به میدان می‌آید و ثبت‌نام می‌کند تا «مکمل روحانی» باشد، دوست دارم حمد و سپاس خدا را به جای بیاورم و نزد حضرت احدیت، جبین بر خاک بگذارم که او ۴ سال پیش، محکم بر سینه کوبید و مؤکدا تأکید کرد سرهنگ نیست! اگر سرهنگ یعنی همان درجه، همان مقام، همان ستاره که روزگاری سمت «صیاد شهید» بود و اگر سرهنگ یعنی، قید زن و بچه را زدن و دل به معرکه جنگ زدن تا زن و بچه مردم، امن و امان داشته باشد، چه خوب نامزد مورد نظر، خودش تصریح کرد که سرهنگ نیست! القضا! با وجود این همه خلف وعده، این همه کارگر و کارمند بیکار شده، این همه رکود، این همه رکوردزنی در فساد، این همه حقوق نجومی، این همه پرهیز از مبارزه با فساد، این همه انشراقی‌گری، این همه عدم پاسخگویی، این همه بی‌اعتنایی به درد مردم، اعم از مشکلات اقتصادی و مشکلات ناشی از بلایایی مثل همین سیل اخیر و…

ادامه در صفحه ۵



۱۱۷۸ سال و ۱۲ روز گذشت

ISSN:2008-2886 | Wed.Apr.19, 2017 | No.2139 | Vol.09 | VATAN-E-EMROOZ | صفحه ۱۶

گزارش «وطن امروز» از عملکرد دولت در ساماندهی مؤسسات اعتباری

میلیون ها نفر سرگردان بی تدبیری بانک مرکزی

بی اعتباری!

صفحه ۳



تحلیلی بر کاندیداتوری معاون اول رئیس‌جمهور

تحقیر مضاعف روحانی!

نه اینکه تنها بازیگر مقبول کشور در عرصه سیاست باشد اما بازیگر دیگری نیست، با کارت دیگری نمی‌شود بازی کرد. فرض من این است که در شرایط عادی همین اتفاق خواهد افتاد، البته نه به علت اینکه دولت کنونی دولت موفقی در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی بوده است.»

حمیدرضا جلالی‌پور از حامیان دولت هم درباره جایگاه دولت در افکار عمومی می‌گوید: «اگر سال

۹۶ را با سال ۹۲ که روحانی پیروز شد مقایسه کنیم باز مشکل رای جمع کردن برای روحانی خود را نشان می‌دهد. رای جمع کردن برای روحانی در شرایط کنونی کار سختی است؛ دعوت از مردم بویژه اقشار ضعیف برای رای دادن به روحانی کار سختی است.» جلالی‌پور پایه نگرانی خود را نظرسنجی انجام‌شده‌ای می‌داند که در آن وضع روحانی خوب نبوده است: «توجه به نتایج یک نظرسنجی اخیر هم این نگرانی را تأیید می‌کند. وجه خوب این نظرسنجی این است که تهرانی‌ها اقلا ۶۰ درصد در انتخابات شرکت می‌کنند اما رای به روحانی ۲۷ درصد بوده که کم است. در ترمینال جنوب و مترو (که اقشار متوسط و متوسط به پایین بیشتر حضور دارند) وضع روحانی خوب نبوده است.»

جالب این است حمیدرضا جلالی‌پور تیر ماه ۹۵ اعتقاد داشت «رای جریان مقابل (منتقدان روحانی) حدود ۴ میلیون و رأی آقای دکتر روحانی ۲۲ میلیون رأی است و کسب این تعداد رأی برای ما آسان است و ما مشکلی در این زمینه نداریم.»

حالا اما در بزنگاه انتخابات از چند ماه قبل اصلاح‌طلبان به‌دنبال آن بودند که در کنار روحانی فرد دیگری نیز برای انتخابات ریاست‌جمهوری داشته باشند. اگرچه برای آن لقب «ضربه‌گیر» یا «پوششی» گذاشته شده است اما نقدهای جدی و البته رجوع آنها به نارضایتی‌های عمومی که خود را در نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد و روحانی در آنها ۴۰ درصد رأی منفی دارد باعث شد فشارها بر آوردن کاندیدایی دیگر در کنار روحانی جدی شود.

فاطمه هاشمی در گفت‌وگو با آرمان می‌گوید: «پدر مخالف کاندیدای جایگزین در کنار روحانی نبود.» و محمد هاشمی هم برای دفاع از آرمان هاشمی کاندیدا می‌شود و می‌گوید: «ممکن است روحانی به نفع او کنار رود.» و از همه تحقیرآمیزتر آن است که روحانی به‌رغم میل باطنی و با فشار اصلاح‌طلبان در آخرین روز از ثبت‌نام کاندیداها می‌پذیرد معاون اولش کاندیدا شود.

جهانگیری کاندیداتوری خود را برای دفاع از روحانی عنوان کرده است اما به نظر می‌رسد چه او برای یک رقابت جدی آمده باشد و چه برای کمک به او، از فاجعه‌آمیز بودن این کاندیداتوری برای روحانی چیزی کم نمی‌کند.

اگر با پیش فرض اصلاح‌طلبان در نظر بگیریم که به معنای احتمال عدم رأی‌آوری روحانی و داشتن گزینه‌ای جایگزین در هنگام ضرورت است! این یعنی روحانی قابلیت کافی و اطمینان‌بخش برای رأی‌آوری ندارد و آنها جهانگیری را برای آن آورده‌اند که در صورت اضطرار از روحانی عبور کنند چنانکه شهبالدین طباطبایی می‌گوید: «کاندیدای حامی هم می‌تواند تا انتها همانطور پوششی بماند و هم می‌تواند در شرایط خاص به‌عنوان کاندیدای اصلی وارد عرصه شود.» و البته مشخص است روحانی نه‌تنها توان دفاع از ناکارآمدی‌های دولتش را ندارد بلکه آمار دقیقی هم ندارد، چرا که عبدالله ناصری، عضو شورایعالی اصلاح‌طلبان می‌نویسد: «تنها آقای جهانگیری می‌تواند آمار ویرانه‌هایی را که دولت یازدهم تحویل گرفت، با رقمی دقیق ارائه دهد.» و تلویحا این‌را بیان می‌کند: روحانی آمار دقیقی از دولت خود ندارد.

اگر هم با پیش‌فرض دولتی‌ها و کارگزاران در نظر بگیریم که جهانگیری برای کمک به روحانی آمده است باز هم تحقیر روحانی است، چرا که بدین معنا خواهد بود که روحانی ظرفیت و قدرت دفاع از خود را ندارد!

در هر دو صورت روحانی در دوگانه تحقیرآمیز «عبور از روحانی» یا «روحانی ناکارآمد» قرار دارد و کاندیداتوری معاون اول او را می‌توان تحقیر مضاعف روحانی نامید که درام ۹۲ را در ۹۶ به یک ترازوی تبدیل کرده است.

یک اقتصاددان در مناظره با معاون وزیر کار:

ارقام اشتغالزایی دولت آمارسازی است

صفحه ۱۶

ISSN:2008-2886 | Wed.Apr.19, 2017 | No.2139 | Vol.09 | VATAN-E-EMROOZ | صفحه ۱۶

یادداشت امروز

بیکاری به سبک تدبیر و امید

- محمد زعیم‌زاده

هر چند شاید مهم‌ترین شاخص در ارزیابی عملکرد اقتصادی یک دولت میزان رضایتمندی مردم از عملکرد آن و لمس بهبود یا پسرفت شرایط زندگی باشد اما شاخص‌های اقتصادی هم وجود دارد که می‌توان میزان توفیق یک دولت در فضای اقتصاد را با آن سنجید؛ تورم، رشد اقتصادی، ضریب جینی و نرخ بیکاری شاید مهم‌ترین شاخص‌های اقتصادی باشند که البته نه به صورت منفرد و مجزا بلکه به شکل زنجیره‌ای و متصل به هم و منظومه‌ای می‌توانند بیانگر شرایط حاکم بر اقتصاد یک کشور باشند.

اما در میان همین شاخص‌ها هم شاید نرخ بیکاری اجتماعی‌ترین و پربسامدترین شاخص است که می‌تواند مناسبات اجتماعی - فرهنگی و حتی امنیتی یک کشور را تحت تأثیر قرار دهد و حتما یکی از عوامل تعیین‌کننده در میزان کارآیی یا ناکارآمدی یک دولت است.

نرخ بیکاری را نسبت «جمعیت بیکار» به کل «جمعیت فعال» کشور می‌گویند و حسن روحانی در شبکه جام جم در ۱۰ خرداد ۹۲ درباره نرخ بیکاری گفته بود: «ما برای اشتغال یک برنامه جدی خواهیم داشت و من جدی‌ترین برنامه اقتصادی‌ام در ماه‌های اول حل معضل اشتغال است، مخصوصا برای آنهایی که تحصیلکرده دانشگاه‌ها هستند و وقتی این مشکل حل شد خود به خود ما می‌توانیم دانشجویان تحصیلکرده خارج از کشور را هم به داخل کشور جذب و از آنها استفاده کنیم. کارگران کارخانه‌های ما بیکار بودند اما برای کارخانه‌های چین اشتغال ایجاد کردیم و به دولت سازندگی و اصلاحات ایراد گرفتیم و تهمت زدیم.»

تابستان ۹۵ بود که کاظم جلالی، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس و از اعضای لیست امید در گزارشی مسووط اعلام کرد: «سال ۹۴، بیش از ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بیکار داشتیم که این میزان با احتساب شاغلان ناقص به ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر و همچنین با احتساب جمعیت فعالان دلسرد از اشتغال، این میزان به ۷ میلیون نفر خواهد رسید.»

این در حالی بود که پیش‌تر مسعود نبلی، مشاور اقتصادی دولت و چهره منتقد نزدیک به روحانی میزان در دولت‌شغل در دولت یازدهم را سالانه یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار نفر اعلام کرد؛ گزاره‌ای که حتی از سوی برخی حامیان دولت هم مورد تردید جدی واقع شد.

در همین رابطه حسین رافغر، اقتصاددان اصلاح‌طلب می‌گوید: «سال ۹۲ مسعود نبلی در کسوت یک کارشناس اقتصاد، بحث ایجاد سالانه ۱۴ هزار شغل در دولت‌شغل در دولت یازدهم را کرد اما اکنون در قامت مشاور رئیس‌جمهور از ارقامی مانند ۷۰۰ هزار یا یک میلیون و ۲۰۰ هزار شغل ایجاد شده در سال سخن گفته و دفاع می‌کند، در حالی که مشاهدات عینی ما از اقتصاد ایران و حتی شاخص‌های مراکز آمار با این ادعا همخوانی ندارد.»

هر چند بهار ۹۵ و با اعلام نرخ ۱۲/۲ درصدی بیکاری، برخی مسؤولان دولتی آمار و ارقام قبلی را پس گرفتند اما مسؤولان ارشد دولت در نطق‌هایی صریحا اعلام کردند این موضوع نه به دلیل عدم موفقیت در ایجاد شغل، بلکه ناشی از افزایش جمعیت فعال یسا به عبارتی افزایش عرضه نیروی کار است. البته سه گواهی آمار رسمی منتشره مرکز آمار ایران که هم‌اکنون در پایگاه‌های نهادهای رسمی قابل دسترسی است، خلاف آن مستفاد می‌شود.

اما واقعیت عدد و رقم تولید شغل و نرخ بیکاری در دولت یازدهم چیست؟ به این محاسبه ساده که مبتنی بر داده‌های رسمی منتشر شده از سوی مرکز آمار است، دقت کنید: تعداد جمعیت فعال کشور (شاغلان و افراد جویای کار) در آغاز دولت قبل ۲۱۶۰۰۰۰۰ نفر و این عدد در آغاز دولت روحانی برابر ۲۳۸۰۰۰۰۰ نفر بوده است، به‌عبارتی ۳۲۰۰۰۰۰ نفر در فاصله یادشده یعنی در سال‌های ۸۴ تا ۹۲ به جمعیت فعال کشور افزوده شده که باید برای آنها شغل ایجاد می‌شد.

جالب اینجاست که بهار ۹۵ جمعیت فعال کشور به ۲۵۸۰۰۰۰۰ نفر رسیده است، یعنی رئیس‌جمهور روحانی طی ۳ سال اول فعالیتش (بهار ۹۲ تا بهار ۹۵) با یک‌میلیون نفر افزایش در جمعیت فعال در بازار کار کشور مواجه شده است…

ادامه در صفحه ۵

